

فاطمه خلخالی استاد

fkhalkhali@shahraranews.ir

دقت کرده‌اید سگ‌ها و گربه‌ها خیلی بیشتر از قبل به زندگی ما نزدیک شده‌اند؟ در شبکه‌های اجتماعی، یک خط در میان عکس یک نفر را می‌بینیم که با گربه‌اش روی تخت خوابیده یا دارد سگش را به پیاده روی می‌برد. جدا از سگ و گربه‌هایی که سرپرست دارند، گاهی سگ‌های ولگرد یا همان سگ‌های بی‌صاحب را هم در کوچه‌های خلوت و در اطراف شهر می‌بینیم، به‌ویژه در فصل سرما که برای پیدا کردن غذا در خیابان‌ها جابه‌جا می‌شوند.

پیش‌ترها یعنی همین چندسال پیش، موجی شروع شد که به همه توصیه می‌کرد گوشه‌ای از ذهن و جیششان را به سیرکردن سگ‌ها و گربه‌ها اختصاص دهند. هدف، نیکوکاری و توجه به حیوانات بود. خیلی‌ها به این موج پیوستند و هنوز هم غذارسانی به سگ‌ها و گربه‌ها را انجام می‌دهند. مدت‌نه‌چندان درازی است که صداهای دیگری، به‌ویژه از سوی متخصصان آکادمیک محیط‌زیست شنیده می‌شود که می‌گوید: غذارسانی به حیوانات

ممنوع!

آن‌ها می‌گویند با غذارسانی، رفتار طبیعی حیوانات تغییر می‌کند. به زبان ساده، چشمشان دیگر به‌دنبال دست ماست و خودشان به‌دنبال غذا نمی‌روند. از طرفی ما با غذارسانی و سیرکردن شکم سگ‌ها و گربه‌ها جمعیشان را زیاد می‌کنیم و چرخه طبیعی اکوسیستم را برهم می‌زنیم. ناامن کردن زیستگاه‌های حیوانات دیگر، انتقال بیماری، رقابت غذایی و ایجاد گونه‌های جدید مثل گِراس از دیگر دلایلی است که می‌گوید باید از غذارسانی به حیوانات دست برداریم. البته این نظرها هنوز هم مخالفان بسیار زیادی دارد، به‌طوری‌که می‌توان گفت با ۲موج مخالف روبه‌رو هستیم که هر یک دلائل خود را دارند.
دهرحال چه عاشق سگ و گربه هستید و چه از این حیوانات خوشتان نمی‌آید، با این گزارش همراه

شوید. شاید زمانی که دارید ته‌مانده می‌ریزید، یک نفر به شما اعتراض کند یا برعکس زمانی که عده‌ای دارند برای سگ‌ها پول تهیه غذا جمع‌آوری می‌کنند، شما به آن‌ها اعتراض کنید. در هر ۲حالت، احساسی حرف‌زدن کار درستی نیست. باید دلیل و توجیه علمی و منطقی داشته باشید. گفت‌وگوی ما با ۲نفر از فعالان محیط‌زیست برای شنیدن نظرها و دلایل آنان بود.

● **غذارسانی به سگ و گربه در هر صورت ممنوع!**

مردم به‌شکل‌های مختلفی به سگ‌ها و گربه‌ها غذارسانی می‌کنند. نگاه بعضی‌ها به این قضیه بسیار جدی است. شاید شما هم ویدئوهایی را دیده باشید که در آن عده‌ای مشغول پخت غذا در دیگ‌های بزرگ برای سگ‌ها هستند تا در حاشیه شهر و زیستگاه‌های این حیوان توزیع کنند. برخی هم در بوستان‌ها این کار را انجام می‌دهند. برخی هم به این شکل، احساس وظیفه و مسئولیت ندارند، اما دوست کم‌ته‌مانده غذایشان را جلو در خانه یا روی زمین‌های

شما می‌دانید رفتار درست با حیوانات شهری چیست؟

غذارسانی به حیوانات ممنوع!



پرنده شهر

رافتاده و بیغوله‌های نزدیک به منزلشان می‌ریزند تا سهم گربه‌های گرسنه شود. جزو هر دسته که باشید، به‌یقین نیتی نیکوکارانه دارید.

فعال محیط‌زیست می‌گوید غذارسانی به هرصورت چه دستی و چه از طریق پسماند، چه به حیوان وحشی و چه به حیوان اهلی از نگاه متخصصان حیات‌وحش اشتباه است. علی‌مهدوی یعنی جایی که در حوزه استحفاظی شهرهای نیست، بنابراین این رویه که شهرداری سگ‌های شهر را زنده‌گیری می‌کند، کاری بیپهوده است. درحقیقت سگ‌های ولگرد حاشیه شهر باید جمع‌آوری و مدیریت شوند تا زادوولد اتفاق نیفتد.

مهدوی همچنین با این موضوع مخالف است که متولی سگ‌های ولگرد در ایران شهرداری است. او می‌گوید: «این وظیفه باید برعهده اداره محیط‌زیست یا اداره دام‌پزشکی باشد.»

● **آزروی ناآگاهی، چه جنایتی کردم!**

اینکه بسیاری از مردم از سر دل‌سوزی و صادقانه به حیوانات کمک می‌کنند، جای خرده‌گیری ندارد، زیرا آگاهی کافی به آن‌ها داده نشده است. به‌نظر مهدوی چه‌بسا رفتار بسیاری از مردم پس از به دست آوردن اطلاعات زمینه‌ای لازم تغییر کند. او خودش جزو همین دسته بوده است. مهدوی که حالا عکاس حیات‌وحش و پرنده‌نگر نیز هست، می‌گوید: «موضوعی دردناک را باید اعتراف کنم. من خودم تا قبل از اینکه به حیات‌وحش علاقه‌مند شوم، جزو کسانی بودم که به سگ‌ها غذا می‌دادم. چرا؟ چون آگاهی نداشتم. پدرم چند سال در بیرون شهر باغچه‌ای داشت. زمانی که آخر هفته آنجا می‌رفتم و من برای خرید مرغ می‌رفتم، چند کیلو اشغال مرغ هم برای سگ‌هایم می‌گرفتم. ولی بعد از مدتی که با متخصصان محیط‌زیست آشنا شدم و در ادامه هم درش را خواندم، دیدم چه جنایتی می‌کردم، جنایت در حق تعدادی موجود زنده دیگر که چون ما آن‌ها را نمی‌بینیم، متوجه نمی‌شویم در حقتان چه ظلمی می‌کنیم. درواقع غذارسانی به سگ‌ها باعث افزایش جمعیت آن‌ها و درنتیجه کشتن و شکار سگ‌ها حاکم شده و غذارسانی به آن‌ها

واقعیت این است که در کشور ما درباره کنترل جمعیت سگ‌ها و گربه‌ها کار علمی و پژوهشی بسیار کمی انجام شده است. بیشتر توصیه‌ای هم که در این زمینه ارائه می‌شود، نتیجه تحقیق چاره‌ای جز از بین بردن آن‌ها نداشته باشیم. او تأکید می‌کند که محل تولیدمثل سگ‌های ولگرد، حاشیه شهر است، یعنی جایی که در حوزه استحفاظی شهرداری نیست. بنابراین این رویه که شهرداری سگ‌های شهر را زنده‌گیری می‌کند، کاری بیپهوده است. درحقیقت سگ‌های ولگرد حاشیه شهر باید جمع‌آوری و مدیریت شوند تا زادوولد اتفاق نیفتد.

● **پرنده شهری از پس غذای خودش برمی‌آید**

غذادادن به پرندگان به احتمال باید عمومیت بیشتری داشته باشد. همیشه خرده‌نان‌ها یا دانه‌هایی هست که روی بالکن و تراس می‌ریزیم و از اینکه می‌توانیم از فاصله نزدیکی به تماشای پرندگان بنشینیم لذت می‌بریم، حتی بدمان نمی‌آید پرنده‌ها بیایند از دست‌های ما دانه برچینند. مهدوی غذادادن به پرنده‌ها را هم رفتار اشتباهی می‌داند. او می‌گوید: «دانه‌ها و خرده‌غذایی که ما به پرنده‌هایم می‌دهیم کربوهیدرات است، درحالی‌که رژیم اصلی خیلی پرندگان را حشرات تشکیل می‌دهد. وقتی آن‌ها را به غذای ساده عادت دهیم، دیگر نمی‌روند عنکبوت و حشره صید کنند و ما به‌طور غیرمستقیم باعث برهم‌زدن نظم اکوسیستم و افزایش جمعیت حشرات شده ایم.»

از فاصله نزدیکی به تماشای پرندگان باید فکری برای کنترلش کنیم. ایجاد پناهگاهی برای سگ‌های ولگرد و عقیم‌سازی آنان راهکاری است که قاسمی نژاد توصیه می‌کند. به‌نظر او اگر افرادی که حوزه محیط‌زیست علاقه‌مندند، هزینه پرداخت عقیم‌سازی ۱۰سگ را بدهند، می‌توان جمعیت این حیوان را کنترل کرد. او می‌گوید: «اکتون هزینه عقیم‌سازی برای هر سگ ۲۰۰هزار تومان است. انتظار نداریم همه در این روش‌ها هزینه کنند، چون واقع‌بینانه نیست، اما همین افرادی که بابت غذارسانی به سگ‌ها پول خرج می‌کنند، بهتر است این هزینه‌ها را صرف عقیم‌سازی آن‌ها کنند. باید ارگان‌های مربوط هم برای این کار بودجه‌ای اختصاص دهند تا بتوانند جمعیت سگ‌ها را کنترل کنند. آن‌طور گروه‌های مردمی در این زمینه همه سعی خود را می‌کنند، دولت هم باید بودجه‌ای برای این کار در نظر بگیرد.»

● **چرا طرفداران محیط‌زیست برای عقیم‌سازی سگ‌ها هزینه نمی‌کنند؟**

مصطفی قاسمی نژاد که ۶سال است در زمینه تیمار و نگهداری حیوانات به‌ویژه سگ‌ها فعالیت می‌کند، با اشاره به اینکه در ایران تحقیق و پژوهش میدانی بسیار کمی در زمینه جمعیت سگ‌ها و تأثیر آن‌بر چرخه محیط‌زیست انجام شده است، می‌گوید: «هیچ ارگانی متولی این کار نبوده است که بیاید تحقیقی در این زمینه انجام دهد و ببیند آیا غذارسانی به حیوانات مفید است یا نه و معایب و مضراتش چیست. ما حتی آمار دقیقی از بیماری‌هایی که به‌وسیله گازگرفتن سگ به انسان منتقل شده باشد، نداریم. من نمی‌گویم این بیماری‌ها وجود ندارد، حرفم این است که نمی‌دانیم در چه سطحی در کشور و شهر ما اتفاق افتاده است. اینکه ما نتیجه تحقیقات کشورهای دیگر را به کشور خودمان تعمیم دهیم، کار درستی نیست، چون ظرفیت محیط‌زیست کشورها به هم فرق می‌کند.»

او با بیان اینکه برخی مخالفان غذارسانی به سگ‌ها، معتقدند در صورت افزایش جمعیت آن‌ها باید دست به کشتنشان زد، می‌گوید: «من با کشتن سگ‌ها کاملاً مخالفم و یگانه چاره کار را عقیم‌سازی می‌دانم. آن‌هایی که می‌گویند عقیم‌سازی هزینه‌بردار است و باید دست به کشتن سگ‌ها زد، تا به حال خودشان تلاش کرده‌اند به گروه‌های مردمی‌ای که در زمینه عقیم‌سازی و پناه‌دادن به سگ‌ها فعالیت می‌کنند، کمک کنند؟»

● **غذای کمتر باعث زادوولد کمتر می‌شود**

این عکاس حیات‌وحش در ادامه می‌گوید: «جمعیت سگ‌ها با توجه به میزان غذایی که مصرف می‌کنند تعیین می‌شود، یعنی اگر ۲سگ نر و ماده در منطقه‌ای زندگی کنند که غذای کمتری باشد، تعداد زادوولدشان هم کم می‌شود. به همین علت با اصلاح‌مواقع جانوری به انقراض یا به در معرض خطر انقراض قرارگرفتن ۷۳۸گونه‌مهره‌دار کمک کرده است.

● **پرنده شهری از پس غذای خودش برمی‌آید**

غذادادن به پرندگان به احتمال باید عمومیت بیشتری داشته باشد. همیشه خرده‌نان‌ها یا دانه‌هایی هست که روی بالکن و تراس می‌ریزیم و از اینکه می‌توانیم از فاصله نزدیکی به تماشای پرندگان بنشینیم لذت می‌بریم، حتی بدمان نمی‌آید پرنده‌ها بیایند از دست‌های ما دانه برچینند. مهدوی غذادادن به پرنده‌ها را هم رفتار اشتباهی می‌داند. او می‌گوید: «دانه‌ها و خرده‌غذایی که ما به پرنده‌هایم می‌دهیم کربوهیدرات است، درحالی‌که رژیم اصلی خیلی پرندگان را حشرات تشکیل می‌دهد. وقتی آن‌ها را به غذای ساده عادت دهیم، دیگر نمی‌روند عنکبوت و حشره صید کنند و ما به‌طور غیرمستقیم باعث برهم‌زدن نظم اکوسیستم و افزایش جمعیت حشرات شده ایم.»

از فاصله نزدیکی به تماشای پرندگان باید فکری برای کنترلش کنیم. ایجاد پناهگاهی برای سگ‌های ولگرد و عقیم‌سازی آنان راهکاری است که قاسمی نژاد توصیه می‌کند. به‌نظر او اگر افرادی که حوزه محیط‌زیست علاقه‌مندند، هزینه پرداخت عقیم‌سازی ۱۰سگ را بدهند، می‌توان جمعیت این حیوان را کنترل کرد. او می‌گوید: «اکتون هزینه عقیم‌سازی برای هر سگ ۲۰۰هزار تومان است. انتظار نداریم همه در این روش‌ها هزینه کنند، چون واقع‌بینانه نیست، اما همین افرادی که بابت غذارسانی به سگ‌ها پول خرج می‌کنند، بهتر است این هزینه‌ها را صرف عقیم‌سازی آن‌ها کنند. باید ارگان‌های مربوط هم برای این کار بودجه‌ای اختصاص دهند تا بتوانند جمعیت سگ‌ها را کنترل کنند. آن‌طور گروه‌های مردمی در این زمینه همه سعی خود را می‌کنند، دولت هم باید بودجه‌ای برای این کار در نظر بگیرد.»

● **چرا طرفداران محیط‌زیست برای عقیم‌سازی سگ‌ها هزینه نمی‌کنند؟**

مصنوعی خواهد بود و بخش دیگر، پرداختن به «ناشناخته‌ها، آن چیزهایی که هنوز حتی به فکرمان هم خطور نکرده است».

گرفتون امیدوارانه می‌گوید: «به‌احتمال ما بزرگ‌ترین گروهی خواهیم بود که در زمینه فناوری‌های مربوط به سفر در جهان فعالیت می‌کنند.» او رمز موفقیت شرکتش را در این می‌داند: «در باره بحران و اینکه برای کنترل هزینه‌ها چه کارهایی باید انجام دهیم صددرصد واقع‌گرایانه رفتار نداریم. ما با صداقت و وضوح کامل کار می‌کنیم. ابتدا گفتیم ما هانه ۲میلیون دلار نیوزیلند هزینه خواهیم کرد. بعدتر، به مردم گفتیم اگر پول بیشتری به دست آوریم، این کارها را هم افزایش خواهیم داد به این دلیل ساده که هم چنین فرصت‌های بیشتر و بیشتری برای خود می‌بینیم.»

منبع:www.phocuswire.com/4-travel-

نجات‌یافتگان

سال ۱۳۲۵ در شاهروند متولد می‌شود. پزشکی را در دانشگاه‌های شیراز، آمریکا و انگلستان می‌خواند. مدتی رئیس دانشکده پزشکی دانشگاه بوعلی همدان می‌شود و کمی قبل از شروع جنگ تحمیلی، به‌معنویت جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران (هلال احمر فعلی) و ریاست امداد کشور منصوب می‌شود. او در سازمان صنایع دفاع (ساصد) هم کار کرده و اولین مرکز درمان مجروحان

شیمیایی پوستی را در بیمارستان شهید چمران راه‌انداخته است. دکتر محمدرفعیع جلالی در همه‌این مدت، از سیر آفاق و کوهنوردی و گردشگری غافل نبوده و مدتی نیز به‌عنوان سرپرست گروه کوهنوردی صنایع دفاع، به بسیاری از کوه‌های بلند ایران صعود کرده است. حوادث ناگوار روزهای اخیر برای کوهنوردان کشورمان بهانه یادداشت زیر به قلم اوست تا بگوید که نیاید بی‌گذار به آب

بزنی، حتی اگر حرفه‌ای باشی.



- موافقی ما زودتر بریم پایین؟
- آره، حتما.

و بعد با عجله به راه افتادند. از پناهگاه گرم و راحت که بیرون می‌آیند، پیرمرد با وجود تجربه‌اش، به آسمان مه‌گرفته و برف‌ریز و سختی که به‌سرعت می‌بارد و پا کوب‌ها را در خود مدفون می‌کند می‌نگرد اما به‌خود نمی‌آید و سرشار از انرژی به سوی پایین سرازیر می‌شوند!

با توجه به فاصله نسبتاً کم بین میدان میشان تا گنجه‌نامه و این واقعیت که پیر این راه را در زمان حضورش در دانشگاه بوعلی بارها پیموه است، می‌پندارند که حداکثر یک ساعت دیگر پایین کوه خواهند بود!

ساعت ۱۶:۳۰ است. تا اینجا گرچه برف همه جای پای گروهی را که نیم‌ساعت قبل عازم پایین بود از بین برده است، می‌شود مسیر پا کوب را کمابیش تشخیص داد، ولی اندکی بعد، آن‌هم به کلی از دید محومی‌شود و آن‌ها راه خود را روی مسیری کاملاً بکر و پائخورده ادامه می‌دهند.

کم کم شک و تردید در دلشان درباره درستی مسیر پیدا شده است، ولی به نظر می‌رسد خود سرد بدون اینکه به‌خود روی بیاورند، هم نظر به پیش می‌روند.

- دکتر، مسیر درست می‌ریم؟

- ان‌شاء... که درسته!

این جواب پیرمرد است که جلوتر حرکت می‌کند، اما کم کم شرایط به‌نحوی پیش می‌رود که باورشان می‌شود راه را کم کرده‌اند و در دلشان می‌گویند کاش چند دقیقه صبر می‌کردند و با گروه که با منطقه کاملاً آشنا هستند عالم‌پایین کوه می‌شدند، اما دیگر فرصت از دست رفته و آن‌ها در میان چمنی سفید و در حالی‌که از بو‌عقیت مکانی خود کاملاً بی‌اطلاع هستند و هر لحظه به شب نزدیک‌تر می‌شوند گیر کرده‌اند. اکنون دیگر باید فکری به حال گذران شب در میان برف‌ها کنند. داستان کسانی که در چنین شرایطی گرفتار شده بودند از نظرشان می‌گذرد. آیا باید چون «هرمان بول» در بازگشت از «ناناگاپاریات» در میان برف‌ها شب را به صبح برساندند یا باید در هر صورت تا آنجا که می‌توانند به راه خود ادامه دهند و از بی‌تحریک بپرهیزند؟ البته که گزینه دوم، چون نه چادری دارند، نه الکل جامد، نه لباس خشکی و نه حتی قدرت و توان «بول» را. در راه، بارها در میان برف می‌غلطند تا کم‌ر و گردن در دریای برف فرو می‌روند، اما هم‌چنان به سوی پایین حرکت می‌کنند. تنها نقطه امیدشان این است که هنوز انرژی کافی برای ادامه مسیر را درخود احساس می‌کنند و ته دلشان بر این باور است که بالآخره دستی آن‌ها را از این محصنه نجات خواهد داد.

با نسیمی که می‌وزد، شبامی از درختان در میان برف و مه نمایان می‌شود و با دیدن آن‌ها اولین بارقه‌های امید در دل گمشدگان روشن می‌شود. اگر این درخت‌ها باقی‌بماند بعد که در خانه گرم و نایز نمره کار مردمانی باشد که در این حوالی زندگی می‌کنند و می‌شود روی کمک آن‌ها حساب کرد.

این نویدی است برای نجات از مرگ، مرگی که در صورت فرارسیدن شب در کوهستان، به سراغشان می‌آمد. مگر نه اینکه همین یکی دوفته‌ای جوانی در همین شرایط و در دامنه همین کوه به همین سرنوشت دچار شده و جان داده بود و مگر به نشانه احترام عکس او را جلو پیشخوان بوفه پناهگاه نگذاشته بودند؟

با این تفکرها خود را به مسیری که به نظر می‌رسید رد جاده باشد می‌رسانند. خوشبختانه به «روستای حیدره» رسیده بودند، روستایی که آبادی ختم شش‌ده‌ساعتی بود. در این موقع، صدای محوی که به نظر صدای اذان مغرب است از دور دست به گوششان می‌رسد. آیا نجات یافته‌اند؟

نیروی مضاعفی آن‌ها را به جلو می‌راند، نور زردرنگ بی‌رمقی از ورای شیشه کوچک پنجره کلیه‌ای، تاریکی شب را می‌شکافد. مرد درون کلیه گرچه در راه رویشان نامی‌نمی‌کند، نوید این را می‌دهد که در فاصله‌ای کوتاه از روستا قرار گرفته‌اند.

مرد راست گفته بود. اولین چراغ دهکده و به‌زودی همه چراغ‌های آن پیش چشمان منتظرشان نمایان می‌شود. خوشحالی‌شان وصف‌نشدنی است. به‌ویژه قافیتی بعد که در خانه گرم و نرم آقای زراعتی، کشاورز جوانمرد، و خانواده هممان نوازش هستند. عقریه‌های ساعت روی ۱۸ استفاده و ۲ساعت پراضطراب و پرالتهاپ به پایان رسیده است. اما آن‌ها از ابتدا به بیراهه رفته و به جای گنجه‌نامه به «روستای حیدره» رسیده بودند، روستایی که در شرق گنجه‌نامه و پنج کیلومتری همدان، در دامنه الوند زیبا و بی‌رحم قرار دارد.

آن‌ها ساده لوحانه ارتفاع نه‌چندان بلند الوند را ناچیز شمرده و با امکانات نامناسب برای صعود زمستانی، به مصاف آن آمده بودند و فراموش کرده بودند بیش‌تر سوانح کوهنوردی به همین مقیر پنداشتن‌ها بازمی‌گردد». این جلالی بود که همین ۳ساعت پیش، پیرمرد داخل پناهگاه وقتی شاگردان از او راهنمایی خواسته بودند برایشان گفته بود.

جوان، مهدی حاج‌خانی بود و پیر، محمدرفعیع جلالی و زمان، غروب روز پنجشنبه، سوم بهمن ۸۷.

شکار

روزنامه شهرامیدوزندگی

اشنبه ۱۳۹۱ خرداد ۲۱ ۱۳۹۱ خرداد ۲۱ ۱۳۹۱ خرداد ۲۱

SHAHRARANEWS.IR



خراسانیان



امسال در حوزه گردشگری، شرکت‌های مسافرتی بار کودی عجیب روبه‌رو بودند. با این همه، گاهی لایه‌لای این همه تلخی، داستان‌های امیدوارکننده‌ای هم به چشم می‌خوردند. از جمله داستان کسب‌وکارهایی که با خلاقیت و نوآوری راهی برای سرپاماندن و حتی پیشرفت در این شرایط یافتند. در اینجا پای صحبت درین گرفتون (Darrin Grafton) می‌نشینیم، یکی از بنیان‌گذاران و مدیرعامل کنونی شرکت نیوزیلندی سرکو (Serko) که در این بحبوحه، حتی لحظه‌ای از کار بازناپاستاد. گرفتون می‌گوید یکی از دلایل این امر، بدون شک، حدود ۲۸/۷میلیون دلاری بود که سرکو در ماه اکتبر از طریق جذب سرمایه به دست آورد، اما این همه ماجرا نیست.